

طرح کلی حرکت انبیاء و ائمه علیهم السلام از منظر آیات و روایات

محمدتقی هادی زاده^۱

سعید بخشی^۲

چکیده

حرکت هر موجود ذی شعوری براساس نوعی محاسبه و برنامه ریزی قبلی است، حرکت انبیاء و ائمه علیهم السلام از این قاعده مستثنا نبوده ما در این تحقیق به دنبال به دست آوردن طرح کلی حرکت آنها هستیم بدون آن که آن را منحصر به شخص یا زمان خاصی نمائیم تا در سایه آن ربط حرکات پراکنده یا متفاوت آنان را بفهمیم و نقشه کلی آن را در راستای الگوگیری به دست آوریم. مسئله قدرت و دولت زمینه ای است که حرکت انبیاء و اولیا در این زمینه مطرح می گردد و خود به خود مسائلی را هم چون منشأ، حفظ، توسعه و کیفیت تعامل با سایر قدرت ها را به همراه دارد ما در این تحقیق به روش تحلیلی، مسائل قدرت را از نگاه اسلام مطرح و به طرح کلی حرکت انبیاء و ائمه علیهم السلام که عبارت از: انتظار، تقیه و قیام باشد رسیده ایم.

واژگان کلیدی

طرح کلی دین، حرکت انبیاء و ائمه علیهم السلام، قدرت، حاکمیت، تقیه، انتظار، قیام.

مقدمه

به طور طبیعی حرکت هر انسانی براساس آگاهی، طرح و برنامه است به ویژه اگر مسیر حرکت دشواری های خاص خود را داشته باشد و آن حرکت برخاسته از مبانی خاص و اهداف بلند باشد. شروع و ادامه چنین حرکتی بدون طرح و برنامه بسیار دشوار بلکه محال

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۰/۱۸ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۲/۱۷

۱. استاد خارج فقه و اصول حوزه علمیه قم، ایران.

۲. فارغ التحصیل سطح چهار مرکز تخصصی کلام و عضو هیئت علمی مؤسسه آینده روشن (پژوهشکده مهدویت) قم، ایران (نویسنده مسئول) (saeid1389ba@gmail.com).

می نماید.

حرکت انبیاء و ائمه نشأت گرفته از شناخت درست آنها از سنت های حاکم بر هستی، انسان و تاریخ است و خداوند حکیم آنان را براساس طرح و نقشه ای به سوی مردم فرستاده است. در مسیر حرکت انبیاء، تقابل بین حق و باطل امری اجتناب ناپذیر و از بدیهیات ادیان الهی است. یکی از اهداف مهم حرکت انبیاء کنار زدن طاغوت و برپایی حکومت حق و عبودیت همه جانبه است (نحل: ۳۶) بر این اساس حرکت اولیای الهی از یک جایی شروع و مراحل را طی می نماید و سؤال این است که طرح کلی این حرکت چیست؟ به عنوان مثال حرکت پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله از یک نقطه ای شروع شده و مراحل را طی کرده مثل دعوت سرّی و آشکار، معارضه با مشرکان، هجرت، تشکیل پایگاه مردمی، تشکیل حکومت، جنگ های متعدد، نامه نوشتن به پادشاهان، فتح مکه و... ما می خواهیم طرح این حرکت را به صورت کلی به دست آوریم بدون آن که آن را منحصر به زمان یا مکان یا شخص خاصی نمائیم، این طرح از ابتدای هبوط آدم بر روی زمین بوده و تا زمانی که زندگی زمینی ادامه دارد، خواهد بود.

از طرف دیگر ما درموضوع حرکت انبیاء و ائمه علیهم السلام، مجموعه ای از روایات، گزاره ها، ابواب، عناوین و حرکت های به ظاهر پراکنده از انبیاء و ائمه علیهم السلام را داریم اما ارتباط این عناصر را نمی دانیم به همین منظور دانستن این ارتباط نیازمند طرحی است که همه را مانند نخ تسبیح به هم مرتبط ساخته و مجموعه جامع و به هم پیوسته ای را ارائه دهد.

بنابراین مسئله ما این است که طرح کلی حرکت انبیاء و ائمه علیهم السلام چیست؟ حرکت انبیاء از کجا و چه مرحله ای آغاز و چه مراحل را طی می کند؟

امروزه ضرورت هایی پرداختن به این بحث را لازم نموده از جمله این که: در بحث حرکت ائمه علیهم السلام موضوعات مختلفی مثل انتظار، دعوت، تقیه، غیبت، قیام، صلح، حکومت و... وجود دارد. جای سؤال وجود دارد حرکت از کجا و چگونه آغاز می شود آیا از همان ابتدا معارضه با دشمنان وجود دارد؟ جایگاه دعوت کجاست؟ اول تقیه است یا دعوت؟ و یا شکلی دعوت چگونه است؟ اگر در جایی امر دائر بین جنگ و صلح است کدام یک مهم تر و مقدم است اما اگر طرح کلی حرکت به دست آید هر کدام از موارد مذکور جایگاه، معنا و شرایط خود را می یابند.

هم چنین اگر ما بخواهیم در شرائط موجود حرکتی را انجام دهیم باید الگویی داشته باشیم برای به دست آوردن الگوی درست لازم است طرح حرکت ائمه علیهم السلام را به دست آورده باشیم تا رهبران الهی بتوانند براساس آن الگو، حرکت خود را آغاز و به سرانجام رسانند.



از سوی دیگر ما که اکنون در عصر غیبت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف به سر می‌بریم و اعتقاد داریم که حرکت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف استمرار حرکت انبیاء و ائمه علیهم السلام است، به طور حتم طرح کلی حرکت در مورد ایشان نیز صادق است حال اگر بتوانیم طرح کلی حرکت را استخراج کنیم وضعیت ما نیز روشن خواهد شد آیا در مسیر طرح کلی حرکت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف قرار داریم یا نه؟

از نظر پیشینه بحث، تألیف مسقلی در این زمینه صورت نگرفته اما ایده این طرح توسط مرحوم آقای علی صفایی مطرح گردیده ایشان سه کتاب *انتظار، تقیه و قیام* را براساس طرح کلی حرکت انبیاء و ائمه علیهم السلام نوشته است هرچند ایشان بحثی مستقل در این باب ندارند.

هم‌چنین می‌توان از برخی تألیفاتی که شباهت به این تحقیق دارند به لحاظ روشی از آنها استفاده نمود مانند: *طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن و انسان دویست و پنجاه ساله* از مقام معظم رهبری؛ *اسلام‌شناسی* از دکتر شریعتی که تلاش نموده طرح کلی دین اسلام را ارائه دهد، *نظریه اندیشه مدون* از آقای هادوی تهرانی، هم‌چنین طرح‌هایی توسط برخی علمای اهل سنت مثل سیدقطب، ابوالاعلی مودودی و... ارائه شده است.

مفهوم‌شناسی

طرح در لغت به معانی: افکندن، پیشنهاد کردن، نقاشی کردن، الگو و مدل، نقشه، شکل، برنامه و... (فرهنگ سخن، فرهنگ فارسی معین ذیل واژه طرح) به کار رفته است.

از بین معانی لغوی آنچه با معنای طرح در این مقاله سازگار است معانی الگو، نمودار، مدل، نقشه و برنامه است.

مراد از طرح، الگو و نمای کلی از یک چیز است که می‌توان آن را در یک عبارت کوتاهی بیان نمود به عنوان مثال برخی از علمای اسلام در یک تقسیم‌بندی، محتوای کلی دین را این‌گونه تقسیم می‌نمایند: عقاید، اخلاق و احکام. صرف نظر از درستی یا نادرستی این تقسیم این خود یک نگاه کلی به دین است که می‌تواند جزئیات زیادی را پوشش دهد و دین را در یک نمای کلی نشان دهد.

طرح می‌تواند نقشه کلی از مجموعه‌ای باشد که موجود هست مثل ساختمانی که دارای طرح است و یا می‌تواند طرح برای مجموعه‌ای باشد که قرار است شکل بگیرد مثل ساختمانی که بناست ساخته شود.

قرار گرفتن کلمه «انبیاء» و «ائمه» در این مقاله برای نشان دادن همسویی و همسانی حرکت ائمه و انبیاء است. همه انبیاء و اولیای الهی این طرح را داشته‌اند.

طرح کلی حرکت اختصاص به امام یا پیامبر ندارد بلکه رهبران الهی دامنه وسیعی دارد شامل علما و فقها هم خواهد شد بنابراین اگر رهبران الهی بخواهند حرکت‌هایی داشته باشند، باید براساس همین طرح باشد.

روش کشف طرح کلی حرکت

به طور کلی داشتن روش ما را در رسیدن بهتر و سریع‌تر به مقصود یاری می‌کند. بعد از آن که متوجه شدیم هر کدام از انبیاء حرکت‌هایی در طول زندگی‌شان داشته‌اند ولی نمی‌دانیم طرح کلی این حرکت چه بوده؟ ما هستیم و روایات پراکنده در این جا ما نیازمند روشی برای حل مشکل هستیم.

بحث از روش تحقیق، لغزش‌گاه‌هایی دارد، مشخص کردن حیطة‌ی موضوع بحث تا حدودی روش بحث ما را در آن حیطة روشن می‌سازد و ما را از لغزش‌ها ننگه می‌دارد لذا باید مشخص کرد، موضوع محل بحث مربوط به چه حیطة‌ایست؟ عقل، حس، تجربه یا فرا حسی است؟

به عنوان مثال اگر حیطة موضوع تحقیق فرا حسی باشد با توجه به محدودیت‌های عقل و حس دیگر نمی‌توان با این روش‌ها به تحقیق و پژوهش پرداخت بلکه روش‌های مذکور ما را از مسیر دور و یا به اشتباه می‌اندازند.

با توجه به این که ما می‌خواهیم طرح کلی حرکت انبیاء و ائمه به دست آوریم چنین چیزی جز با احاطه کامل به انسان، هستی، تاریخ و سنن حاکم بر آنها به دست نخواهد آمد زیرا نگاه انسان محدود است و حتی درباره خودشناسی‌اش دچار مشکل است چه رسد به هستی و تاریخ، تنها کسانی که علم محیط بر هستی دارند می‌توانند چنین طرحی را ارائه دهند بنابراین ما باید این طرح را از خود منابع دینی بدست آوریم بنابراین پایه کار ما وحیانی است. وحی نیز در کلام خداوند و معصومان (کتاب و سنت) و رفتار آنان تجلی می‌یابد. دلالت هر یک از کتاب، سنت و سیره بر طرح کلی به دو گونه است: کلی^۱ و جزئی.

برای به دست آوردن طرح کلی حرکت باید گام‌هایی را طی نمود.

گام اول: مواجهه با مشکل

ما مشکل و مسئله‌ای داریم با عنوان طرح کلی حرکت ائمه که نمی‌دانیم چیست و اگر آن را

۱. با این که سیره همیشه امری جزئی است، مراد ما از سیره کلی این است که گاهی یک رفتار از یک معصوم یا معصومین دیگر تکرار می‌شود در این صورت سیره رنگ کلی به خود می‌گیرد.

در نیابیم نمی‌توانیم حرکت‌های ائمه و مسائل پراکنده موضوع امامت را خوب بفهمیم و نمی‌توان الگو و طرحی برای حرکت خودمان داشته باشیم.

در طول تاریخ حرکت‌هایی از انبیاء و ائمه مشاهده می‌کنیم چه بسا ظاهراً باهم ناسازگارند و یا رفتارهای گوناگون یک امام در دوره خود باعث طرح این سؤال می‌شود که چرا امام به صورت متفاوت رفتار نمود و یا چرا امام حسن علیه السلام صلح ولی امام حسین علیه السلام قیام و به شهادت رسید و یا چرا امیرالمؤمنین ابتدا خانه نشین شد ولی بعدها عهده‌دار حکومت و حتی جنگ با برخی مسلمین شد؟ و یا امام سجاد علیه السلام بیشتر به عبادت و دعا پرداخته ولی امام باقر و امام صادق علیه السلام به گسترش علوم و معارف ناب می‌پردازند؟ چرایی غیبت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الیه این سؤالات و ده‌ها سؤال دیگر سبب می‌گردند تا برای آنها به دنبال پاسخی از آیات و روایات باشیم.

گام دوم: کشف حیطة و بستر موضوع

یکی از اموری که ما را در روش به دست آوردن طرح کمک می‌کند، زمینه و بستری است که طرح کلی حرکت در آن بستر مطرح می‌شود؛ یعنی این مشکل در کدام بخش از زندگی بشر مطرح می‌شود؟ با دقت و کنکاش به دست می‌آید، زمینه و بستر حرکت انبیاء، مسئله قدرت و حکومت است؛ چرا که در حیطة زندگی جمعی انسان‌ها، نیاز اصلی بشر که مطابق با ساخت و بافت بشر نیز هست، قدرت و مسائل پیرامون آن است. از سوی دیگر امامت که رهبری جمع در امور دین و دنیا است (حلی، ۱۳۶۵ ش: ۱۰)، موضوع عام و مرتبط با آن، حاکمیت و قدرت سیاسی است هرچند مراد ما از قدرت، معنایی اعم از قدرت سیاسی است.

آن‌چه در مسئله رهبری اهمیت دارد و بود و نبود آن تأثیر عمده و اساسی بر رهبری جمع می‌گذارد، مسئله قدرت و دولت است اگر رهبر و امام قدرت داشت، امامت او ظهور و بروز پیدا می‌کند و کارکرد خود را می‌یابد اما اگر رهبر و امام قدرت نداشت ظهور و بروز آن به شدت تقلیل یافته او دیگر نمی‌تواند در عرصه سیاسی، اجتماعی و حتی هدایت مردم به صورت مطلوب اثر گذار باشد.

اگرچه ما قائل هستیم ائمه چه در مصدر امور جامعه باشند یا نباشند « قَامَا أَوْ قَعَدَا » (صدوق، ۱۳۸۵ ق: ج ۱، ۲۱۱)، امام هستند اما اگر قدرت و حکومت نداشته باشند دیگر آن هدایت و تأثیرگذاری حداکثری را ندارند و هم‌چنان که تاریخ گواه است غیر از دوران چندساله حکومت پیامبر صلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین علیه السلام و دوران بسیار کوتاه حکومت امام حسن علیه السلام، ائمه و شیعیان در

سخت‌ترین شرایط زندگی می‌کردند، مردم و جامعه از بسیاری از آثار وجودی و هدایتی امام محروم بودند و در عصر غیبت امام این محرومیت به اوج خود رسید.

بنابراین امامت و رهبری مردم یا به معنای داشتن قدرت است و یا غیر قابل انفکاک از آن است. در بحث امامت هر رویکردی که داشته باشیم، امامت شأن سیاسی و حکومتی دارد و بخش سیاسی و حکومتی دین در امامت تجلی می‌یابد هرچند شئون امام منحصر در جنبه حکومتی آن نیست. در فرهنگ روایی ما از فرایند تحقق خارجی حکومت امام با واژه امر تعبیر می‌نمایند.^۱

براساس آنچه گفته شد قدرت، بستر حرکت امام است و به طور طبیعی مسائلی را به دنبال دارد مثلاً قدرت چگونه شکل می‌گیرد؟ چگونه می‌توان بر قدرت‌های دیگر غلبه کرد؟ چگونگی اعمال قدرت؟ و غیره.

قدرت طرح کلی حرکت نیست بلکه زمینه آن است. وقتی روند طبیعی قدرت فهمیده شود، با نگاه به روایات، مسائل طرح کلی حرکت ائمه علیهم‌السلام را می‌توانیم منقح می‌کنیم وقتی مسائل مذکور منقح شد به طرح کلی حرکت نزدیک‌تر می‌شویم.

باید توجه داشت هرچند قدرت در نگاه اول به جهت مصادیق خارجی و سوءاستفاده ظالمان از قدرت، معنای منفی به خود گرفته ولی به لحاظ واقع این طور نیست و قدرت نسبت به خوبی یا بدی اقتضایی ندارد بلکه قدرت به خودی خود همانند سایر مواهب خدادادی از نعمت‌های خداوند به شمار می‌آید.

گام سوم: بررسی مسائل قدرت

بعد از آن‌که دانستیم بستر و زمینه حرکت ائمه مسئله قدرت و دولت است باید دید قدرت دارای چه مسائلی است تا به دنبال پاسخ آنها باشیم؟
با دقت در این مسئله به دست می‌آید که مسائل قدرت و دولت عبارتند از: منشاء قدرت، حفظ قدرت، توسعه قدرت و مواجهه با قدرت‌های معارض.

۱. امر در لغت به معنای دستور (در مقابل نهی) و حادثه (پدیده) آمده است (لسان العرب، ج ۴، ۲۷). با توجه به فحص و بررسی روایات فراوان، امر با ترکیب‌های مختلف استعمال شده است مثل اولوا الامر، هَذَا الْأَمْرُ، امرنا، صاحب الْأَمْرُ، صاحب هَذَا الْأَمْرُ، امرالله، امرکم و... (ر.ک: الغارات (ط - القديمة)، ج ۱، ۱۱۶؛ تفسیر العیاشی، ج ۱، ۲۴۷؛ بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد علیهم‌السلام، ج ۱، ۴۷۱-۴۷۲ احادیث ۶-۱۱؛ تفسیر العیاشی، ج ۲، ۱۱۸؛ الکافی (ط - الإسلامية)، ج ۸، ۳۷؛ کفایة الأثر فی النص علی الأئمة الإثنی عشر، ۳۱۱؛ الغیبة (للنعمانی)، النص، ۳۲۷). مراد از امر در این‌گونه تعابیر، فرایند شکل‌گیری حاکمیت اهل بیت علیهم‌السلام است.

سیر طبیعی و خارجی قدرت نیز به این شکل است که ابتدا جمع که منشأ قدرت است شکل می‌گیرد سپس حفظ و توسعه و در نهایت به تقابل با قدرت‌های معارض منجر می‌گردد ما در ادامه تلاش می‌کنیم با طرح مسائل مطرح در این زمینه، پاسخ منابع دین را در زمینه مسائل قدرت به دست آوریم و در پرتو آن طرح کلی دین را در زمینه حرکت انبیاء و اولیا به دست می‌آوریم.

منشاء قدرت^۱

منشأ اصلی قدرت جمع افراد است و سایر لوازم قدرت و امکانات متفرع بر وجود جمع است زیرا این افراد هستند که امکانات لازم را می‌سازند.

اما درباره این که منشأ و سبب جمع افراد چیست؟ نظرات متفاوتی بیان شده است از جمله ذاتی بودن زندگی جمعی (بحرانی، ۱۳۸۶) زور و غلبه (اخوان کاظمی، ۱۳۸۳)، کاریزما، اقتدار سنتی (شیخوخیت و وراثت) و سلطه حاصل از قانون (وبر، ۱۳۸۲: ۹۳)، عقلانیت،^۲ اراده و اتفاق اکثریت که منجر به قرارداد اجتماعی و واگذاری قدرت به گروهی می‌گردد (روسو، ۱۳۶۸: ۴۸-۵۵) و ضرورت (عمید زنجانی، ۱۳۸۵: ۱۰۸) به عنوان مناشی جمع مورد توجه اندیشمندان قرار گرفته.

از روایات متعددی بر می‌آید که جمع نیروهای انسانی منشأ اصلی قدرت و دولت حق است به عنوان مثال در روایتی از امام رضا علیه السلام، جریان سکوت بیست و پنج ساله حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام و سپس حکومت و جهاد ایشان مطرح و آن را با سیره رسول الله صلی الله علیه و آله مقایسه و سپس سکوت و عدم قیام آنها را این گونه تعلیل می‌فرماید:

... كَذَلِكَ عَلَى عليه السلام تَرَكَ مُجَاهِدَةَ أَعْدَائِهِ لِقَلَّةِ أَعْوَانِهِ عَلَيْهِمُ (صدوق، ۱۳۸۷: ج ۲، ۸۱-۸۲).

یعنی علت خانه نشینی و سکوت حضرت امیر علیه السلام و نیز عدم جهاد رسول الله در مکه با مشرکین به دلیل کمبود تعداد یار و انصار بود.

برای روایات دیگر (ر.ک: خصیبی، ۱۸۹-۱۹۳؛ صدوق، ۱۳۹۵: ج ۲، ۳۷۸؛ نعمانی، ۱۳۹۷: ج ۴، ۲۰۳؛ کلینی، ۱۳۶۵: ج ۸، ۱۵۹).

۱. باید توجه داشت این مسئله با مسئله منشأ مشروعیت نباید خلط شود هر چند ممکن است این دو وجه مشترک داشته باشند آنچه ما در این جا به دنبال آن هستیم سیر و چگونگی شکل‌گیری قدرت در خارج است نه مشروعیت آن.

۲. ارسطو، فارابی و بسیاری از حکمای اسلامی در باب تشکیل حکومت این نظریه را انتخاب می‌کنند یعنی انسان‌ها براساس حکم عقل برای تحصیل بهتر منافع دور هم جمع و حکومتی را تشکیل می‌دهند.

از روایات مذکور به دست می‌آید وجود نیروهای لازم، منشأ و تکیه‌گاهی برای شکل‌گیری قدرت است و نبود جمع نیز سبب فقدان قدرت می‌گردد.

از جمله اموری که ارتباط تنگاتنگ با بحث قدرت دارد و یکی از ابزارهای مهم قدرت یا از لوازم غیرقابل انفکاک آن محسوب می‌شود، ثروت و توان مالی است هرچند تهیه امکانات وظیفه افراد است لذا آنها باید به این نیاز توجه داشته باشند که اگر این حرکت بزرگ نیازمند امکاناتی است باید به تهیه آنها بپردازند تا در موقع نیاز از امکانات استفاده نمایند زیرا مسلم است قدرت و اقتصاد، رابطه تنگاتنگ دارند، ضعف قدرت، موجب ضعف اقتصاد و ضعف اقتصاد، دلیل ضعف قدرت و سیاست است.

یکی از حربه‌های برنده و مهم طاغوت‌ها در هر عصری این بود که رگ و ریشه اقتصاد را به دست می‌گرفتند و مردان خدا را در فشار و تنگنای اقتصادی قرار می‌دادند تا آنان را نیازمند و تسلیم خود کنند (عبدوس، ۱۳۸۳: ۷۰). غصب فدی و سایر دارایی‌های اهل بیت علیهم‌السلام پس از رحلت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نیز در همین راستا توجیه می‌شود.

در آیات و روایات عناوینی چون خمس، زکات،^۱ صله‌ی به اهل بیت، فیء و انفال به صورت مستقیم و غیرمستقیم به این حقیقت مربوط می‌شوند.

در روایتی از امام صادق علیه‌السلام بعد از تقسیم مردم بر سه قسم و طرح مسئله انتظار منفی عده‌ای دنیا طلب می‌فرماید:

... وَ لَا تَدْعُوا صَلََّةَ آلِ مُحَمَّدٍ مِنْ أَمْوَالِكُمْ مَنْ كَانَ غَنِيًّا فَيَقْدِرَ غِنَاهُ وَ مَنْ كَانَ فَقِيرًا فَيَقْدِرَ فَقْرُهُ... (حرانی، ۱۴۰۴: ۵۱۳-۵۱۴)

تاکید به این نکته بیانگر این است که ائمه علیهم‌السلام طرحی و راهی دارند این طرح نیازمند افراد و اموال است.

از جمله اموری که در مسئله قدرت تأثیرگذار است و جمع یاران باید بدان توجه داشته باشند، داشتن توان نظامی، دفاعی و قدرت بازدارندگی است.^۲

در مباحث بعد ذیل بحث انتظارارتباط بحث منشأ قدرت با بحث انتظار از منظر منابع دینی

۱. از جمله موارد مصرف زکات تألیف قلوب غیرمسلمانان و نیز استفاده در راه خداست روشن است که تألیف قلوب می‌تواند در راستای قدرت اهل بیت علیهم‌السلام باشد و نیز استفاده از زکات در نیروسازی و تقویت نیروها اهمیت دارد.

۲. قرآن کریم در این باره می‌فرماید: ﴿وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ وَآخِرِينَ مِنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يُوَفِّ إِلَيْكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تُظْلَمُونَ﴾ (انفال: ۶۰) یا در جای دیگر می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قَاتِلُوا الَّذِينَ يَلُونَكُمْ مِنَ الْكُفَّارِ وَلِيَجِدُوا فِيكُمْ غِلْظَةً وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ﴾ (توبه: ۱۲۳).

تبیین خواهد شد.

حفظ قدرت

بعد از شکل‌گیری قدرت، حفظ آن مطرح می‌شود. حفظ قدرت اهمیتش از جهاتی بیشتر از شکل‌گیری قدرت است چرا که قدرتی که با هزاران زحمت به دست آمده اگر حفظ و نگهداری نشود، تمام آن تلاش‌ها به هدر خواهد رفت و چه بسا آثار زیان‌بار دیگری مانند از بین رفتن نیروها، یأس از ادامه مسیر، برانگیختن حساسیت دشمن و... را به دنبال خواهد داشت؛ بنابراین برای استمرار حرکت تا رسیدن به اهداف حفظ قدرت امری ضروری است.

حفظ قدرت در نگاه‌های معمول با معامله، زد و بند، فریب و در مواردی با تهدید و زور صورت می‌پذیرد. اما از منظر آیات و روایات چنان‌چه خواهد آمد برای حفظ قدرت لازم است ارکان به وجودآورنده قدرت (جمع) تقویت شوند.

ابتدا باید بدانیم حفظ نیروها وظیفه عمومی است و تک‌تک افراد وظیفه دارند با مراعات حقوقی برادران ایمانی از هر چیزی که مانع پیوند و حفظ نیروهاست چه از نظر مادی، معنوی، اعتقادی و عملی حفظ نمایند هرچند این تکالیف شخصی نافه وظیفه حاکم اسلامی مبنی بر وضع قوانین و اداره جامعه در مسیر حفظ نیروها نیست در آینده ذیل بحث انتظار و تقیه به چگونگی حفظ نیروها از منظر روایات خواهیم پرداخت.

حفظ نیروها در دو حیطة درونی و بیرونی مطرح می‌گردد که هر یک از جهتی ارزشمند است در حیطة درونی حفظ از آفات و سرپا نگه داشتن نیروهای ساخته شده مدنظر است که در آینده ذیل انتظار بدان خواهیم پرداخت اما در حیطة بیرونی بحث تقیه مطرح می‌شود، یکی از اغرض تقیه حفظ نیروهای ساخته شده در برابر دشمنان است.

توسعه قدرت

به طور طبیعی وقتی قدرتی شکل گرفت و پایه‌های آن استوار و تا حدودی از آفت‌های درونی و بیرونی مصون گردید توسعه قدرت مطرح می‌شود؛ توسعه قدرت از جهت نیروها، امکانات و بسط سرزمینی رخ می‌دهد.

روند طبیعی توسعه قدرت به طبع سیری ناپذیر انسان و غریزه زیاده‌طلبی او بر می‌گردد. این امر در طول حاکمان را به سوی توسعه نیروها و قلمرو سوق داده. هم‌چنان که پادشاهان از قدیم‌الایام در آرزوی فتح دنیا بوده‌اند، امروزه نیز مسئله جهانی‌سازی به طور جدی مورد توجه قدرت‌های بزرگ به ویژه آمریکا قرار گرفته.

اما توسعه قدرت از منظر اسلام متفاوت با نگاه مادی و امروزی است چرا که مبانی توسعه قدرت در اصطلاح امروزی عبارت است از: سکولاریسم و جدایی دین از عرصه‌های اجتماعی و سیاسی جامعه، اومانیسم و انسان محوری، نیهیلیسم و پوچ‌گرایی و در نتیجه اصالت داشتن لذت‌های حیوانی است از نظر این گروه دنیا همانند جنگلی بزرگ است که هرکس قدرت و امکانات بیشتری داشته باشند امکان حیات بقا و لذت بیشتری دارد هم‌چنان‌که مستکبران قدیم می‌گفتند: «... قَدْ أَفْلَحَ الْيَوْمَ مَنْ اسْتَعْلَى»^۱ (طه: ۶۴) و منطق مستکبران نوین این است که:

میلیون‌ها نفر از مردم پوشالی و ناتوان را نابود کنید تا یک مرد برتر به وجود آید.
(هنری، ۱۳۷۹ش: ۴۱۰)

و از نظر اهداف، توسعه قلمرو سرزمینی، سلطه بیشتر بر ملت‌ها، کنترل بهتر مخالفان و در نهایت رفاه و لذت هرچه بیشتر برای صاحبان زر و زور می‌باشد.

از نظر روش، آنها برای رسیدن به اهداف خویش از هر وسیله ممکن استفاده می‌کنند گاهی با تطمیع، تهدید، ترور، فریب و گاهی با تظاهر به دین و ارزش‌ها و به طور خلاصه هر وسیله‌ای که بتواند آنها را به اهدافشان برساند از آن استفاده می‌کنند در این بین برای مشروع جلوه دادن کارهای خویش و فریب بیش از پیش مردم، از حقوق بشر، حقوق زن، دموکراسی، عدالت و قانون‌گرایی دم می‌زنند و در پوشش این شعارها به دنبال مقاصد شوم خویش هستند. ولی توسعه قدرت از نگاه اسلام از نظر میانی بر فطرت، واقع‌گرایی، توحیدمحوری، ایمان به غیب، هدفدار بودن هستی، کرامت انسان و در نهایت مسئولیت انسان در برابر خدا، خود و دیگران است.

از نظر اهداف، رسیدن به عبودیت همه‌جانبه و کمال شایسته انسانی، بسط عدل و قسط در مقیاس کل هستی و گسترش صلح و امنیت در بین انسان‌ها است.

از نظر روشی، روش انبیاء و اوصیا بر یافتن و رساندن است روش آنها بر این است که دست بشر را گرفته تا آنها را با اراده و آگاهی‌شان حرکت دهد به گونه‌ای که خودشان با تشخیص مسیر، راه‌شان را انتخاب نمایند و ارتقا یابند به تعبیر قرآن قیام به قسط نمایند (حدید: ۲۵)؛ آنان به دور از هرگونه دروغ، فریب، تهدید و تطمیع بلکه براساس صداقت و امانت با مردم مواجه می‌شوند.

۱. قطعاً امروز کسی پیروز است که برتر باشد.

خداوند در حکمت تشریح جهاد و دفاع می‌فرماید:

و اگر خدا برخی از مردم را به وسیله برخی [دیگر] دفع نمی‌کرد، دیرها و کلیساهای و کنیسه‌ها و مساجدی که نام خدا در آن بسیار برده می‌شود، حتماً ویران می‌شد... (حج: ۴۰)

یعنی غرض از جهاد و دفاع در اسلام صرفاً کشورگشایی و بسط سیاسی و سرزمین نیست بلکه نجات مردم از بندگی شیطان و طاغوت‌هاست؛ زیرا هدف از خلقت بشر عبادت است^۱ و مسجد به عنوان نماد، تجلی‌گاه و محل عبادت بندگان از ارزش فوق‌العاده‌ای برخوردار است از این روی سرزمین و سایر مواهب دنیایی مقدمه برای وصول به این هدف است در نتیجه مورد تأکید شارع قرار گرفته، لذا مسلمین وظیفه دارند ندای اسلام را براساس حق تکامل انسان، به گوش تمام افراد بشر برسانند و چه بسا در این راه سران کفر و استکبار موانعی بر سر راه آنان قرار دهند در این صورت باید با آنان مقابله کرد تا دین اسلام فراگیر گردد و بشر از بند اوهام و خرافات و ادیان انحرافی نجات یابند.

برای رسیدن به اهداف نهایی و بسط و گسترش ایده درست زندگی در بین تمام مردم، توسعه قدرت لازم است، این امر مقتضی داشتن قدرتی وسیع است تا حاکم بتواند آن اندیشه و سبک زندگی صحیح را بسط دهد از منظر آیات قرآن کریم چنانچه خواهد آمد این مسئله مورد توجه جدی آیات بوده است.

چگونگی اعمال قدرت

از جمله مسائل محوری قدرت، چگونگی اعمال قدرت است در حکومت‌های دیکتاتوری اعمال قدرت براساس اراده ملوکانه و خواست پادشاه صورت می‌پذیرد چه به صلاح مردم باشد یا نباشد در مقابل در حکومت‌های مبتنی بر دموکراسی، رأی اکثریت و قانون مبنای اعمال قدرت قرار می‌گیرد بر این اساس هر یک از افراد جامعه برای به دست آوردن مصالح و خواسته‌های خویش مؤظف است از طریق راهکارهای قانونی که در قانون مشخص شده اقدام نماید و هرکس هم بخواهد از قانون تخطی نماید دولت براساس ابزارهای قانونی او را مجازات یا تنبیه می‌نماید بدین ترتیب اعمال قدرت از طریق مجاری قانونی صورت می‌پذیرد.

۱. ﴿وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ﴾ (ذاریات: ۵۶). در اسلام مقوله قدرت و حکومت اصالت نداشته بلکه مقدمه‌ای برای اغراض دیگر مثل تأمین نیازهای اولیه، امنیت و در نهایت فراهم شدن بستر عبودیت همه‌جانبه انسان‌ها است.

اما با توجه به اصالت اختیار در انسان‌ها^۱ و مطابقت آن با فطرت و ساخت انسان و با توجه به توحید ربوبی و توحید در حاکمیت، حق حاکمیت انحصارا از آن خدا بوده (سبحانی، ۱۴۲۸ق: ۷۲-۷۴) و خداوند نیز طبق نظام اسباب و مسببات، حاکمیت و اداره امور مردم را به دست رسولان و جانشینان خویش بر روی زمین سپرده (نهج البلاغه: ۸۲) و از همه مردم اطاعت از آنان را طلب نموده^۲ و در چگونگی اعمال قدرت مسئله ولایت^۳ را مطرح کرده، ولایت چنان چه از واژه آن بر می‌آید نوعی دوستی و نزدیکی بین ولی و مولی علیه وجود دارد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۸۸۵) در این رابطه قرب و نزدیکی دو طرفی است هر دو طرف بر محور تکلیفی که بر عهده دارند براساس محبت انجام وظیفه می‌نمایند و هر دو در این رابطه مسؤولیت دارند.^۴

۱. در آیات متعددی از قرآن کریم بر اصل اختیار انسان‌ها تأکید شده است (بقره: ۲۵۶؛ کهف: ۲۹؛ انسان: ۲).

۲. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ» (نساء: ۵۹).

۳. واژه ولایت ۲۳۱ مرتبه با مشتقات مختلف در قرآن استعمال شده این امر حاکی از عنایت خاص خداوند به این مسأله است به عنوان مثال در یک جا خداوند خود را به عنوان ولی مومنین معرفی و می‌فرماید: «اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا...» (بقره: ۲۵۷)؛ در جای دیگر پیامبر یا امام را نیز به عنوان ولی مومنین معرفی می‌نماید: «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ» (مائده: ۵۵)؛ در آیه دیگر از انتخاب یهود و نصارا به عنوان ولی نهی می‌کند و می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْيَهُودَ وَالنَّصَارَى أَوْلِيَاءَ...» (مائده: ۵۱).

۴. به همین دلیل پیامبر گرامی فرمود: «كُلُّكُمْ رَاعٍ وَكُلُّكُمْ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ» همه شما موظف به رعایت هستید و نسبت به کسانی که تحت امر شما هستند مسؤولیت دارید. (بحار الأنوار، ج ۷۲، ۳۹)؛ به همین دلیل موسی مأمور می‌گردد تا به سوی فرعون رود و او را به سوی خدا دعوت نماید (طه: ۲۴) و در ضمن خواسته‌هایش از فرعون می‌خواهد مردم را که امانت الهی است به موسی تحویل دهد (دخان: ۱۸) یا در بیانات حضرت امیر تکلیف عالمان راستین را مشخص نموده و می‌فرماید خداوند از آنان پیمان گرفته که بر سیری ظالم و گرسنگی مظلوم سکوت نمایند و بی تفاوت نباشند. (نهج البلاغه: ۴۹)

مردم نیز هم در تحقق حکومت اسلامی و هم در دفاع از آن وظیفه دارند دلیل این مطلب، روایات باب انتظار (چنان چه خواهد آمد) و آیات و روایات متعدد جهاد و دفاع است «وَلَوْ لَا دَفَعُ اللَّهُ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَفُتِحَتْ صَوَامِعُ وَبِيَعٌ وَصُلُوكٌ وَ مَسَاجِدٌ يَذْكُرُ فِيهَا اسْمُ اللَّهِ كَثِيرًا» (حج: ۴۰)؛ «وَجَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ...» (حج: ۷۸). آنان وظیفه و مسؤولیت دارند تا از اولیای الهی اطاعت و تبعیت نمایند اینکه در آیات و روایات ما لزوم اطاعت از پیامبر و ائمه به طور گسترده انعکاس یافته به ویژه در آیه اطاعت «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ...» (نساء: ۵۹) یا در جای دیگر مسئله قضاوت پیامبر را مطرح و مخالفت با آن را ممنوع و گناه بر می‌شمارد (احزاب: ۳۶) در همین راستا توجیه و معنا می‌یابد. لذا حضرت امیر در پایان خطبه‌اش از یاران خود گلایه و علت بسیاری از مشکلات اسلام را عدم اطاعت شما از ولی امر مسلمین دانسته و متذکر می‌شود حاکمی که مورد اطاعت نباشد اندیشه و نظر و مدیریت چنین حاکمی بی اثر خواهد شد و جودش با عدمش یکی خواهد بود لذا حضرت فرمود: «لَا رَأَى لِمَنْ لَا يَطَاعُ» (الکافی ط-الاسلامیه)، ج ۵، ۶) یعنی اگر امام قدرت داشته باشد ولی مردم از او فرمان‌بری نداشته باشند کارکردی در جامعه نخواهد داشت، همه مکلفین وظیفه دارند تا زمینه حاکمیت و اطاعت او را محقق نمایند چراکه اقبال عمومی مردم به سوی حاکم الهی شرط اساسی تشکیل حکومت الهی است هر چند اقبال عمومی مردم مشروعیت نمی‌آورد بلکه شرط تحقق حکومت اسلامی است. علاوه بر این مردم در اجرای قوانین و هم در نظارت و امر به معروف نسبت به مسولان نظام اسلامی وظیفه

نتیجه ولایت و ارتباط دو طرفه این می‌شود که رهبران الهی دست مردم را گرفته و در مسیری آنها را به پیش می‌برند تا خودشان قیام به قسط نمایند. (حدید: ۲۵)

به همین دلیل هرگونه دیکتاتوری و تحمیل اراده حاکم بر توده‌ها ممنوع است.^۱ در این سیستم خواست یا قرارداد اکثریت به خودی خود فاقد ارزش و اعتبار می‌باشد مگر در مواردی که خود دین در مواردی نقش مردم را در ایفای وظیفه پذیرفته باشد مثل تکلیف مردم در ایجاد و استمرار حکومت اسلامی، نظارت بر رفتار حاکمان و امر معروف و نهی از منکر آنان، اعلام وفاداری به حکومت دینی، مشورت دهی متخصصان به حاکم دینی و مشارکت در حکومت اسلامی. امروزه از این امر به مردم سالاری دینی تعبیر می‌نمایند. (شبان‌نیا، ۱۳۹۶: ۱۰۰-۱۲۰)

خلاصه آن‌که اسلام نه دیکتاتوری را می‌پذیرد و نه دموکراسی به سبک امروز را بلکه اسلام مسئله ولایت را مطرح می‌نماید.

کیفیت تعامل قدرت حاکم با رقبا

به طور طبیعی بعد از شکل‌گیری، حفظ و توسعه قدرت، بحث مناسبات دولت با دیگر قدرت‌ها مطرح خواهد بود. این مناسبات گاهی به شکل سازش، همکاری و رابطه طرفینی ظهور می‌نماید گاهی نیز با پنهان‌کاری، چالش و تقابل همراه است.

در قدرت‌های بشری که براساس خاندان، ثروت و زد و بند شکل می‌گیرد ممکن است دوگانگی و تضاد چندانی پیش نیاید. چرا که صاحبان قدرت برای حفظ قدرت خود وارد معامله با رقباء و چالش‌ها می‌شوند و ممکن است برای آنها سهمی از قدرت را در نظر گیرد یا آنها را راضی نگه دارند اما در نگاه هدایتی قرآن، دوگانگی و چالش بین حق و باطل قطعاً شکل می‌گیرد و سازش معنا ندارد چرا که ناسازگاری حق و باطل همیشگی است و با آمدن حق جایی برای باطل باقی نمی‌ماند. (اسراء: ۸۱)

مواجهه و تعامل جبهه حق با قدرت‌های رقیب به دو گونه ظهور و بروز پیدا می‌کند؛ پنهان‌کاری و قیام. در ادامه بحث و در ضمن بیان طرح کلی حرکت به این دو مقوله خواهیم پرداخت.

دارند.

۱. هم‌چنان‌که تحمیل اراده عده یا گروهی خاص بر توده مردم از راه فریب آنها به واسطه قدرت رسانه‌ای و... مانند آنچه امروزه در برخی از نظام‌های به ظاهر دموکراسی شاهد آن هستیم، ممنوع است.

طرح کلی حرکت انبیاء و ائمه علیهم السلام

چنانچه گذشت قدرت زمینه‌ای بود که طرح کلی حرکت انبیاء در آن بستر مطرح می‌شد. در فرایند تحقیق پیش روی با توجه به تحلیل قدرت و مؤلفه‌های آن می‌توان طرح کلی حرکت را به دست آورد؛ زیرا بعد از ساخته شدن جمع؛ حفظ و پیوند آنها (در دوره انتظار)، تقیه و قیام به عنوان مراحل مواجهه با قدرت‌ها مطرح می‌شود. مراحل مذکور طرح کلی حرکت انبیاء و ائمه و گام کلی از گام‌های حرکت آنان برای تحقق آرمان بلند است و هر یک مسائل و فروع متعددی در ذیل خود دارد. ما در این تحقیق به طور اجمال به آنها خواهیم پرداخت اما تفصیل آن نیازمند مجال دیگری است.

۱. انتظار

انتظار از ریشه نَظَرَ به معنای تأمل به همراه مشاهده می‌باشد (ابن فارس، ۱۴۰۴ق: ج ۵، ۴۴۴) برخی از لغویون نظر را به معنای طلب ادراک چیزی با چشم یا فکر دانسته‌اند. (عسکری، ۱۴۰۰ق: ۶۵) از این روی دیدن عادی را نظر نمی‌گویند بلکه نظر دیدنی است که به نوعی نیازمند دقت باشد. انتظار از باب افتعال، دارای معنای مطاوعی است (مصطفوی، ۱۳۶۰: ج ۱۲، ۱۶۶) یعنی قبول نظر و نهادینه کردن حالت طلب رؤیت را انتظار گویند. بنابراین انتظار یعنی نگاه با تأمل و مستمر به آینده برای به دست آوردن یا رسیدن به چیزی اما با توجه به قرائن متعدد روایی^۱ مراد از انتظار علاوه بر داشتن حالت قلبی انتظار، توقع و شوق، به معنای نیروسازی و لوازم آن است.

از منظر روایات دوره انتظار زمانی است که در آن نیروهای لازم (جمع) براساس معیارها و ویژگی‌هایی ساخته سپس حفظ و بین آنها پیوند برقرار می‌شود براساس آنچه تاکنون گفته شد انتظار پایه‌ای برای ایجاد قدرت (دولت حق)، حفظ و توسعه آن است.

انتظار صرفاً امر قلبی و داشتن حالت انتظار نیست تا منتظر ظهور امام باشیم بلکه انتظار فرایندی است برای به دست آوردن قدرت تا نیروهای شیطانی و معارض کنار زده شوند؛ قدرتی که بتواند عدالت را در سطح وسیع بگستراند و در نهایت به عبودیت همه جانبه دست یازد. از روایات به دست می‌آید انتظار عملی بسیار مهم است؛ عملی که در آن هر شیعه‌ای در هر موقعیتی وظیفه دارد تا خودش و دیگران را براساس معیارهایی آماده سازد.

۱. در روایات ما بحث انتظار و اهمیت و مولفه‌های آن به طور گسترده مطرح شده است. (ر.ک: موسوعه الامام المنتظر، ج ۲، ۲۱۳-۳۵۲)

در تعبیر متعدد روایی، انتظار افضل اعمال امت (مجلسی، ۱۴۰۴ق: ج ۱۰، ۹۹؛ ج ۵۲، ۱۲۲، صدوق، ۱۴۱۳ق: ج ۴، ۳۸۳) و جزئی از دین دانسته شده (کلینی، ۱۳۶۵: ج ۲، ۲۲)، منتظر به منزله جهادگری است که در خون خود غوطه‌ور است (صدوق، ۱۳۶۲ الف: ج ۲، ۶۲۵)، دوره انتظار با تحمل سختی‌هایی همراه است (کلینی، ۱۳۶۵: ج ۸، ۳۷)، رسیدگی به امور محرومان (همان: ج ۴)، حفظ اسرار (همان)، به غیظ آوردن دشمنان (همان، ج ۶، ۵۳۵)، جهاد با دشمنان (همان، ج ۵، ۲۲)، فرج و گشایش بودن انتظار فرج (عیاشی، ۱۳۸۰ق: ج ۲، ۱۳۸)، و تعبیر دیگری که مجموعاً نشانگر اهمیت فوق‌العاده آن و اقداماتی است که منتظر باید انجام دهد.

در فرایند انتظار است که نیروها شکل گرفته، باهم پیوند خورده و حفظ می‌شوند. به همین دلیل وقتی پیامبر اسلام ﷺ دعوتش را آغاز می‌کند در اولین قدم از حرکت خویش شروع به نیروسازی می‌نماید و در ابتدای حرکتش دو الی سه نفر با او همراه بودند تا آن‌که با آشکار کردن دعوتش روز به روز به جمع آنان افزوده می‌شود به گونه‌ای که مشرکان از دعوتش احساس خطر می‌نمایند.

از منظر وحیانی جمع نیروها با توجه به ساخت انسان‌ها یعنی حرکت براساس آزادی و آگاهی، صورت می‌پذیرد لذا با دعوت - که به نوعی نیروسازی و تکثیر آنها با یک سری ویژگی‌هایی است - آغاز می‌شود از این روی در برخی روایات بین انتظار و دعوت ارتباط عمیق برقرار شده.^۱

نیز تعلیم علوم ائمه علیهم السلام (صدوق، ۱۳۸۷ق: ج ۱، ص: ۳۰۷)، دعوت عملی^۲ مردم به دین (کلینی، ۱۳۶۵: ج ۲، ۷۷-۷۸؛ ابن حیون، ۱۳۸۵ش: ج ۱، ۵۶)، همگی در راستای دعوت و نیروسازی می‌باشند.

دعوت با بینات نه تهدید، تطمیع و فریب از روش‌های مهم دعوت است زیرا با توجه به

۱. حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْوَرَّاقُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ هَازِمٍ الصُّوفِيُّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُوسَى عَنْ عَبْدِ الْعَظِيمِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْحَسَنِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنِي صَفْوَانُ بْنُ يَحْيَى عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ أَبِي زِيَادٍ عَنْ أَبِي حَمْرَةَ الثَّمَالِيِّ عَنْ أَبِي خَالِدٍ الْكَائِلِيِّ قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى سَيِّدِي عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ زَيْنِ الْعَابِدِينَ عليهما السلام... يَا أَبَا خَالِدٍ إِنَّ أَهْلَ زَمَانٍ غَيَّبْتَهُ الْقَاتِلِينَ بِأَمَانِيهِ وَ... الْمُنتَظِرِينَ لِظُهُورِهِ أَفْضَلَ مِنْ أَهْلِ كُلِّ زَمَانٍ لِأَنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى أَغْطَاهُمْ مِنَ الْعُقُولِ وَالْأَفْهَامِ وَالْمَعْرِفَةِ مَا صَارَتْ بِهِ الْغَيْبَةُ عِنْدَهُمْ بِمَنْزِلَةِ الْمَشَاهِدَةِ وَجَعَلَهُمْ فِي ذَلِكَ الزَّمَانِ بِمَنْزِلَةِ الْمُجَاهِدِينَ بَيْنَ بَدَى رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وآله بِالسَّيْفِ أَوْلِيكَ الْمُخْلِصُونَ حَقًّا وَشَبَعْتَنَا صِدْقًا وَالدُّعَاءَ إِلَى دِينِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ سِرًّا وَجَهْرًا وَقَالَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عليهما السلام انْتَظَارُ الْفَرَجِ مِنَ أَكْثَرِ الْفُرَجِ (كمال الدين و تمام النعمة، ج ۱، ۳۱۹-۳۲۰، ۲).

۲. در روایات متعددی تاکید شده که شیعیان تلاش نمایند تا مایه زینت اهل بیت باشند. (رک: الکافی، ط - الإسلامية، ج ۲، ۲۱۹؛ بحار الأنوار، ط - بیروت، ج ۶۵، ۱۵۲؛ صفات الشيعة، ۱۶)

دشواری‌های مسیر حرکت انبیاء، نیروها باید به گونه‌ای ساخته شوند تا با معیارها همراه باشند و حرکت‌شان از روی آگاهی، اراده و در نتیجه از روی بصیرت باشد^۱ تا بتوان حرکتی متناسب با فطرت و بینش آنها انجام داد. با نگاهی کوتاه به دعوت انبیاء (أنعام: ۷۶؛ مائده: ۱۰۴؛ یونس: ۳۴-۳۶؛ انبیاء: ۶۳) متوجه می‌شویم دعوت آنان از نوع دعوت بیناتی است. بعد از دعوت باید این جمع ساخته شده حفظ شوند و سپس بین آنها پیوند برقرار شود تا جنبه تشکیلاتی به خود بگیرند.

از منظر آیات و روایات حفظ جمع با روش‌های مختلفی صورت می‌پذیرد از این روی عناوین متعددی در روایات باب صفات شیعه وارد شده که ناظر به حفظ و پیوند نیروها است از جمله: حفظ جان خود و دیگران (بویژه ائمه) از راه تقیه (کلینی، ۱۳۶۵: ج ۲، ۲۲۱، ج ۲؛ ۶۵، ح ۵)، حفظ اسرار (همان: ج ۲، ۲۱۸، ح ۶)، توأسی و نگه داشتن همدیگر از آفات،^۲ پرهیز از مجالس ریب (صدوق، ۱۳۶۲: ب ۹)، رسیدگی توانمندان به امور افراد ناتوان (طوسی، ۱۴۱۴: ق ۲۳۲؛ صدوق، ۱۴۰۲: ق ۳۶)، برآورده کردن نیازهای برادران دینی (همان: ۵۴)، تلاش برای برآورده کردن نیازهای آنها (همان: ۶۶).

در بحث پیوند نیروها نیز مباحث قابل توجهی در روایات دیده می‌شود مباحثی چون دوست داشتن همدیگر به خاطر خدا (همان: ۳۴؛ صدوق، ۱۳۶۲: ب ۱۳؛ کلینی، ۱۳۶۵: ج ۲، ۱۷۵، بَابُ التَّرَاخُمِ وَ التَّعَاظِفِ)، برادری مؤمنان با یکدیگر (حجرات: ۱۰) مواسات با برادران دینی (صدوق، ۱۴۰۲: ق ۳۶)، رفتن به زیارت و دیدار همدیگر (کلینی، ۱۳۶۵: ج ۲، ۱۷۵، بَابُ زِيَارَةِ الْإِخْوَانِ)، پرهیز از اختلاف (همان: ج ۷، ۵۱).

تذکر این نکته نیز ضروری است با توجه به این که برگزاری جلسات ذکر، تأثیر عمده‌ای در ذکر و یادآوری، حفظ جمع، ارتباط و اطلاع از همدیگر، دارد نتیجه این‌گونه جلسات احیای امر اهل بیت علیهم‌السلام در جامعه است.^۳

از آنچه گذشت به دست می‌آید از منظر روایات انتظار مفهومی است که مسائلی چون نیروسازی، حفظ نیروها، پیوند نیروها، فراهم ساختن امکانات و رهبری نیروها را - که هر کدام

۱. «قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُو إِلَى اللَّهِ عَلَى بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي وَسُبْحَانَ اللَّهِ وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ» (یوسف: ۱۰۸).
 ۲. «ثُمَّ كَانَ مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا وَ تَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ وَ تَوَاصَوْا بِالْمَرْحَمَةِ» (بلد: ۱۷)؛ «إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَ تَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَ تَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ» (عصر: ۳).
 ۳. مثل احیای نام، ارزش‌ها و معارف اهل بیت علیهم‌السلام برای اطلاعات بیشتر رک: ابن بابویه، محمد بن علی، ۱۳۷۸: ق ۱، ۳۰۷، ج ۲، ۶۹؛ کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۳۶۵: ج ۲، ۱۷۵، صدوق، ۱۴۰۲: ق ۳۲.

مشمول بر مسائل متعددی است - به هم پیوند می‌دهد.

۲. تقیه

وقتی نیروها و امکانات یک تشکیلات و جمعی در حدی نباشد که بتوان با تکیه بر آن در مقابل نیروهای رقیب ایستاد به طور طبیعی سیاست پنهان‌کاری مورد توجه آن جمع قرار می‌گیرد؛ پنهان کردن مقدار نیروها، امکانات، اهداف، نقشه راه و... سرلوحه تک تک آحاد آن جمع به ویژه گردانندگان آنها قرار می‌گیرد.

پنهان کاری در زبان دینی تقیه نام دارد و مورد توجه آیات (آل عمران: ۲۸؛ نحل: ۱۰۶؛ غافر: ۲۸) و روایات (چنانچه خواهد آمد) قرار گرفته.

تقیه در لغت از ریشه «وقی» به معنای حفظ چیزی از اذیت و ضرر است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۸۸۱) و در اصطلاح عبارت است از کتمان کردن حق و پوشیده نگه داشتن اعتقاد حق به جهت ترس از ضرر دینی یا دنیوی در برابر مخالفین است. (جمعی از نویسندگان، ۱۴۱۵ق: ۸۰)

تقیه به عنوان یکی از راهبردهای مهم انبیاء و ائمه علیهم‌السلام مطرح است و در اهمیت و محوریت تقیه در مسیر حرکت اولیای الهی همین بس که امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید:

هرچه این امر (ظهور امام زمان عجل‌الله‌فرجه) نزدیک‌تر شود تقیه شدیدتر می‌شود. (کلینی، ۱۳۶۵: ج ۲، ۲۲۰)

یعنی با توجه به گستره، اهمیت و نهایی بودن قیام حق علیه باطل تقیه نیز شدیدتر و دارای اهمیت خواهد بود.

در روایت دیگری از امام صادق علیه‌السلام می‌خوانیم:

خدای عزوجل دین را دو دولت قرار داده دولت آدم - و آن دولت خدا است - و دولت ابلیس، هنگامی که خداوند اراده فرماید که آشکارا پرستش شود دولت آدم بر سر کار باشد، و همین که اراده کند در پنهانی پرستش شود دولت ابلیس بر سر کار آید، و آن کس که فاش کند چیزی که خداوند خواسته است پنهان باشد، او از دین بیرون رفته (و خارج شده) است. (همان: ج ۲، ۳۷۲)

در این روایت خداوند دین را دو دولت قرار داده از همین جا پیوند عمیق بین دین و دولت استفاده می‌شود با توجه به این که دین برنامه زندگی است، خداوند به حسب شرایط دو جور طرح و برنامه برای زندگی بندگان دارد نکته دوم این که دو گونه و دو مرحله از عبودیت خدا

مطرح است و این دو غیر همنند نکته سوم این که عبودیت خداوند تعطیل بردار نیست و به صورت مستمر ادامه دارد با توجه به سری بودن عبادت خداوند در دولت ابلیس، مراد از عبادت سری چیست؟ آیا انجام اعمال عبادی متعارف است؟ یا عبادت به معنای وسیع، حرکت‌های سیاسی اجتماعی انسان‌ها را نیز در بر می‌گیرد؟ در اکثر اوقات در دولت‌های باطل تا زمانی که اعمال عبادی دیگران با منافع طاغوت‌ها در تضاد نباشد آنها مشکلی با این‌گونه عبادت‌ها ندارند بنابراین عبادت سری در جایی است که عبادت کیان دولت باطل را دچار مخاطره نماید در این صورت عبادت به صورت سری خواهد بود.

تقیه دارای مراتبی است اولین مرتبه آن حفظ جان از خطرات احتمالی است به همین دلیل امام صادق علیه السلام از شخصی که به خاطر حفظ جان و در ظاهر از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام برائت جسته بود به عنوان فقیه یاد می‌کند^۱ یا در روایت دیگری تقیه را با بقای شیعه و ائمه گره می‌زند (همان: ج ۱، ۶۵، ح ۵) هم‌چنین یکی از حکمت‌های غیبت امام زمان از منظر روایات عدم امنیت و خوف از قتل ایشان توسط ظالمین است.^۲ سه سال دعوت سری پیامبر اسلام، صبر و تحمل پیامبر صلی الله علیه و آله و یارانش در برابر آزار و شکنجه‌های مشرکان، هجرت پیامبر صلی الله علیه و آله و یارانش از مکه به حبشه و مدینه و تقیه امامان شیعه در دوران حاکمان جور از این منظر قابل تحلیل است.

در تقیه علاوه بر حفظ جان، حفظ اسرار از دشمنان نیز مدنظر است در روایات زیادی بین تقیه و حفظ اسرار پیوند برقرار شده. (کلینی، ۱۳۶۵: ج ۲، ۲۱۸، ح ۶) مرحله دیگر تقیه صلح با دشمن است فرض صلح در جایی است که نیروها^۳ یا امکانات در حدی نیست که جواب‌گوی نیروی دشمن باشد در این جا صلح به عنوان تاکتیک موقت می‌تواند منافع نسبی مسلمانان را حفظ و آنها را از هر نوع تعدی و جنگ حفظ نماید. لذا در روایتی حجر بن عدی خدمت امام حسن مجتبی علیه السلام می‌آیند و گله می‌کنند که چرا صلح با معاویه را پذیرفتید؟ حضرت در جواب عرضه می‌دارد اگر هفت نفر یار داشتم قیام می‌کردم.

۱. مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيْسَى عَنْ زَكْرِيَّا الْمُؤْمِنِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أُسَيْدٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَطَاءٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام رَجُلَانِ مِنَ أَهْلِ الْكُوفَةِ أَخَذَا فِقِيلَ لُهُمَا ابْرَأُ مِنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ فَبَرِيءٌ وَاحِدٌ مِنْهُمَا وَ أُنْبَى الْأَخْرُ فَعَلَى سَبِيلِ الَّذِي بَرِيءٌ وَ قَتِيلَ الْأَخْرُ فَقَالَ أَمَا الَّذِي بَرِيءٌ فَرَجُلٌ فَقِيهٌ فِي دِينِهِ وَ أَمَا الَّذِي لَمْ يَبْرَأْ فَرَجُلٌ تَعَجَّلَ إِلَى الْجَنَّةِ. (الكافي ط - الإسلامية)، ج ۲، ۲۲۱، ح ۲۱)

۲. حداقل در ۳۳ روایت به مسئله خوف و عدم امنیت امام زمان اشاره شده است. (رک: موسوعه الامام المنتظر، ج ۱، ۳۰۵-۳۰۹؛ ۳۱۳-۳۱۶)

۳. به دلیل کمبود یا تنبلی نیروها.

(خصیبه، ۱۴۱۹ق: ۱۸۹-۱۹۳) آن حضرت عامل اصلی صلح را نبود یاران کافی ابراز می‌نماید البته منظور امام از هفت نفر این نیست که همان کاری که با هزار نفر انجام می‌شود را با هفت نفر انجام خواهد داد بلکه اقتضای هر کدام از این اعداد متفاوت است.

گاهی اوقات صلح مرز بین تقیه و قیام است از یک سو ریشه در تقیه دارد چرا که قدرت به حدی نیست تا به تقابل با دشمن پردازد و از طرف دیگر ممکن است جنگ با دشمن خسارت‌های جبران‌ناپذیری برای جبهه حق در پی داشته باشد در این فرض صلح بهترین تاکتیک برای حفظ نیروها مطرح می‌گردد. جریان مصالحه پیامبر ﷺ با مشرکان در جریان صلح حدیبیه و صلح امام حسن ﷺ با معاویه در این راستا قابل تحلیل است.

باید توجه داشت صلح به معنای کوتاه آمدن از ارزش‌ها و آرمان‌ها نیست بلکه صلح به نوعی تقیه و حرکت در مسیر با هوشمندی و تحمل دشواری‌ها است و به تعبیر رهبر فرزانه انقلاب نرمش قهرمانانه است. (بیانات در دیدار مسئولان وزارت خارجه و سفرای ایران در خارج از کشور، ۲۲/۰۵/۱۳۹۳)

مرتب‌ه دیگر تقیه نفوذ پنهان و نرم در دشمن است؛ زیرا از بین بردن دشمن مستلزم آگاهی از مقدار نیروها، امکانات، پی بردن به نقشه‌ها و استراتژی دشمن در برابر جبهه حق، نفوذ در افراد تا در مواقع لزوم در جهت حفظ نیروهای حق یا از بین بردن باطل از آنها استفاده شود لذا در روایتی از امام صادق ﷺ می‌خوانیم:

محاضیر دچار هلاکت می‌شوند راوی می‌گوید گفتم محاضیر چه کسانی هستند؟ فرمود کسانی که شتاب‌خواه هستند. مقربین اهل نجات هستند و قلعه بر پایه‌هایش استوار است؛ ملازم خانه‌هایتان باشید (و گرد و غبار براه نیندازید) چرا که غبار بر روی کسی که آن را به پا کرد خواهد نشست...^۱

در لغت محاضیر به اسب‌هایی گفته می‌شود که تندرو بوده (ابن منظور، ۱۴۱۴ق: ج ۴، ۲۰۱؛ زمخشری، ۱۹۷۹م: ۱۳۰) و به راحتی نمی‌توان آنها را کنترل نمود.

این جمله «نجی المقربون» تکلیف غیبت را مشخص می‌کند. یعنی در غیبت نباید استعجال داشته باشید اما سبقت و قرب را باید دنبال نمود.

۱. عَنْ أَبِي الْمُزْهَفِ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ﷺ هَلَكَتِ الْمُحَاضِيرُ قَالَ قُلْتُ وَ مَا الْمُحَاضِيرُ قَالَ الْمُسْتَعْجِلُونَ وَ نَجَا الْمُقَرَّبُونَ وَ تَبَّتِ الْحُضُنُّ عَلَى أَوْلَادِهَا كَوُنُوهَا أَلْخَاسُ يُبِوتِكُمْ فَإِنَّ الْعَبْرَةَ عَلَى مَنْ أَتَاَهَا وَ إِنَّهُمْ لَا يَرِيدُونَكُمْ بِجَانِحَةٍ إِلَّا أَتَاهُمْ اللَّهُ بِشَاغِلٍ إِلَّا مَنْ تَعَرَّضَ لَهُمْ. (الغيبة للنعمانی، النص، ۱۹۷-۱۹۶، ح ۹-۱۰) در نقل‌های دیگر همین روایت با سند دیگر و متن کمی متفاوت نقل شده است. (ر.ک: همان: ح ۱۰؛ الکافی (ط - الإسلامية)، ج ۸، ۲۹۴، ح ۴۵۰)

این‌که حضرت می‌فرماید غباری به پا نکنید به معنای حرکت نکردن نیست. بلکه انجام حرکت حساب نشده و خارج از چارچوب است یعنی قبل از ساخته شدن نیروها و وجود ظرفیت نباید قیام کرد چنین قیامی جز به ضرر شما نخواهد بود لذا می‌فرماید: و هر کس خاک به پا کند خاک بر همو خواهد نشست. یعنی اقدام قبل موعد ضررش به خودتان خواهد رسید.

این‌که فرمود: «و ثبت الحصن علی اوتادها». یعنی این دژ بر آن میخ‌ها و پایه‌ها ثبات پیدا می‌کند. این حامل دو پیام است: ۱. برای از بین بردن قدرتی باید پایه‌های به وجود آورنده آن قدرت را ویران کرد در این صورت خود به خود آن قدرت از بین خواهد رفت؛ ۲. برای ثبات یک قدرتی را باید پایه‌ها را صیانت نمود.

روشن است از بین بردن پایه مستلزم این است که اولارکان و پایه‌ها را از نظر نقاط قوت و ضعف شناخته باشید ثانیاً به قدری باید به این پایه‌ها نزدیک شوید تا در موقع لزوم آنها را متزلزل و ویران کنید.

در روایت دیگری از تقیه به جهاد مومن در دولت باطل شده است^۱ ولی جهاد خاموش و بی سرو و صدا؛ کسی که تقیه می‌کند دارد کاری را انجام می‌دهد که در روایت از آن به جهاد تعبیر می‌نماید، جهاد یعنی نهایت تلاش و کوشش و این‌که جهاد را با عنایت خاصی از ویژگی‌های مومن بر می‌شمرد این تعابیر نشان‌گر حقیقتی بس والا است؛ چرا که اگر مراد صرف حفظ جان بود باید به حفظ یا تعابیر دیگر استفاده می‌کرد نه جهاد، در جهاد در راستای مبارزه با دشمن اقداماتی پنهانی صورت می‌گیرد که از آن به تقیه یاد می‌شود. در این جهاد نقاط ضعف و حساس دشمن شناسایی و با نفوذ افرادی در دل دشمن و حضور در مراکز حساس و تصمیم‌ساز او، زمینه برای اقدام مناسب فراهم می‌شود. بنابراین در دوران تقیه با توجه به فراهم نبودن مبارزه آشکار و مستقیم با دشمن، مبارزه به صورت پنهانی و در راستای تضعیف و نابودی دشمن کارهایی صورت می‌گیرد.

نیز در روایتی از امام کاظم علیه السلام درباره علی بن یقطین که در دستگاه ظالم عباسیان بود و پدرش جزو داعیان عباسیان بود می‌خوانیم:

خداوند در دستگاه هر طاغوتی دوستانی را دارد که از حریم اولیای خود، به وسیله ی آنها دفاع می‌کند. (کشی، ۱۴۰۹: ق: ۴۳۵)

۱. حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ الْحَسَنِ الْقَطَّانُ قَالَ حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ عَلِيِّ السَّكُونِيِّ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ زَكْرِيَا الْجَوْهَرِيُّ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَمَّارَةَ عَنْ أَبِيهِ قَالَ سَمِعْتُ الصَّادِقَ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ عليه السلام يَقُولُ... وَ الْمُؤْمِنُ مُجَاهِدٌ لِأَنَّهُ يَجَاهِدُ أَعْدَاءَ اللَّهِ تَعَالَى فِي دَوْلَةِ الْبَاطِلِ بِالتَّقِيَّةِ وَ فِي دَوْلَةِ الْحَقِّ بِالسَّيْفِ. (علل الشرائع، ج ۲، ۴۶۷، ح ۲۲)

گفته شده علی بن یقظین وزیر هارون الرشید یعنی شخص دوم حکومت بوده. (امین، ۱۴۰۶ق: ج ۱، ۱۹۱)

باید توجه داشت مراحل از تقیه مثل مرحله حفظ جان و حفظ اسرار با انتظار همراه است ولی اگر جبهه حق به لحاظ نیروها و تشکیلات به قدری قوت پیدا کرد که می‌تواند خود را از خطرات احتمالی نگه دارد از اینجا به بعد تقیه به عنوان گام بعدی حرکت که نفوذ در دل دشمن است شکل می‌گیرد در این صورت تقیه به عنوان گامی مستقل از گام‌های حرکت انبیاء مطرح خواهد بود.

خلاصه آن‌که عناوین به ظاهر پراکنده‌ای که در روایات و یا سیره ائمه وجود دارد، مثل حفظ جان خود و دیگران، حفظ جان ائمه، حفظ اسرار از دشمنان و نااهلان، گوشه نشینی و پرهیز از جنگ، هجرت، صلح با دشمن، نفوذ در دشمن، با عنوان تقیه به هم پیوند می‌خورند و تقیه عنوانی است کلی که مسائل فوق را پوشش می‌دهد.

۳. قیام

به طور طبیعی وقتی یک قدرتی با تکیه بر نیروها و امکانات شکل گرفت و پایه‌هایش استوار گردید در ادامه مسیر به مبارزه با چالش‌ها و موانع موجود در ادامه مسیر قدرت می‌پردازد. یکی از موانع مهم، وجود قدرت‌های معارض است. از سوی دیگر وقتی قدرتی در جبهه حق شکل می‌گیرد به طوری که منافع دیگران را به صورت بالقوه یا بالفعل در خطر می‌اندازد به طور طبیعی دشمنی و معارضه با جبهه حق شکل می‌گیرد.

اما این‌که قیام به عنوان طرح کلی انبیاء و ائمه مطرح است به دلیل آیات و روایات متعدد در باب جهاد است هم‌چنان‌که سیره عملی انبیاء و ائمه نیز این بوده است که هر وقت زمینه قیام برای آنها فراهم گردید آنها اقدام به قیام نمودند به عنوان مثال نبرد موسی با فرعون (شعراء: ۶۷-۵۳) و سایر ستمگران (مائده: ۲۱-۲۵)؛ نبرد طالوت و داود با جالوت (بقره: ۲۴۹-۲۵۱)، لشکر بزرگ سلیمان (نمل: ۱۸) و عزم او برای جنگ با ملکه سبا (نمل: ۳۱)، جنگ‌های متعدد رسول اکرم ﷺ در طول مدت عمر شریف ایشان مجموع غزوه‌ها و سریه‌های آن حضرت که به طور تقریبی بالغ بر ۵۰ مورد شمرده‌اند، (مسعودی، ۱۴۰۹ق: ج ۲، ۲۸۲) بعد از پیامبر جنگ‌های امیرالمؤمنین ﷺ با اهل جمل، نهروان و معاویه، جنگ امام حسن ﷺ با معاویه در ابتدای امامتش، قیام امام حسین ﷺ علیه یزید، نمونه‌ای از طرح حرکت انبیاء و اولیا در مسیر تحقق اهداف الهی است اما این‌که در زندگی دیگر ائمه جنگ و قیامی را مشاهده نمی‌کنیم به

دلیل فشار شدید و جو خفقان حاکم بر اهل بیت علیهم السلام و نبود زمینه قیام است چنانچه در برخی از روایات گذشت.

تقابل جبهه حق با قدرت‌های دیگر دارای مراحل است اما مرحله پایانی آن توسط امام زمان علیه السلام صورت می‌پذیرد.

قبل از تقابل و درگیری با دشمن ابتدا دعوت آنها به سوی حق است هم‌چنان که سیره انبیاء و اولیا بر همین بوده ابتدا دعوت خود را به صورت آشکار به گوش مخالفان می‌رسانند تا اتمام حجت شود و در صورت واکنش منفی، اقدام به جنگ می‌نمودند؛ نامه حضرت رسول صلی الله علیه و آله به سران کشورها و دعوت آنها به اسلام بعد از اوج‌گیری قدرت اسلام و ثبات نسبی آن در سال ششم (ابن سعد، ۱۴۱۰ق: ج ۱، ۱۹۸) در همین راستا می‌باشد.

از جمله مراحل تقابل، برخورد با مخالفان داخلی است لذا پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله با یهودیان اطراف مدینه مثل بنی النضیر و بنو قریظه پیمان می‌بندد که علیه هم دیگر اقدامی نداشته باشند اما پس از پیمان شکنی یهودیان، آنها را سرجای خود نشانده و در نهایت برخی را اعدام و برخی را تبعید می‌نماید (همان: ۵۷؛ طبری، ۱۳۸۷ق: ج ۳، ۹) و نسبت به منافقان در بیشتر مواقع صبر اما در برخی اوقات اقدام عملی نموده و مسجد ضرار را که پایگاه منافقان بود ویران می‌نماید. (توبه: ۱۰۷)

مرحله دیگر تقابل جنگ با دشمنان بیرونی است مثل جنگ‌هایی پیامبر در طول دوران استقرارش در شهر مدینه که در نهایت منجر به جنگ پیامبر با مشرکان و فتح مکه گردید.

قیام در صورتی معقول است که یاران لازم فراهم شوند. عدم قیام پیامبر در دوران مکه و سکوت و خانه نشینی حضرت علی علیه السلام بعد از پیامبر تا سال ۲۳ هجری و عدم قیام امام زمان عجل الله تعالی فرجه الیه به همین دلیل است و از همین جا پیوند بین انتظار و قیام و بین تقیه و قیام روشن می‌شود چرا که دوران انتظار دوران شکل‌گیری و پرورش نیروهای لازم است و به طور طبیعی تا زمانی که نیروهای لازم شکل نگرفته باشد قیام نامعقول و محکوم به شکست خواهد بود لذا در روایتی از امام صادق علیه السلام می‌خوانیم:

محاضیر دچار هلاکت می‌شوند راوی می‌گوید گفتم محاضیر چه کسانی هستند؟ فرمود کسانی که شتاب خواه هستند. مقربین اهل نجات هستند و قلعه بر پایه‌هایش استوار است ملازم خانه‌های تان باشید (و گرد و غبار براه نیندازید) چرا که غبار بر روی کسی که آن را به پا کرد خواهد نشست ... (نعمانی، ۱۳۹۷ق: ۱۹۶-۱۹۷)

در روایات عصر ظهور می‌خوانیم:

هنگامی که حضرت ۳۱۳ یار داشته باشند «اظهر الله امره» و هنگامی که به ۱۰ هزار نفر رسیدند «خرج باذن الله». (صدوق، ۱۳۹۵ق: ج ۲، ۳۷۸) یعنی قبل از رسیدن تعداد یاران به عدد مشخص امام ظهور و قیام نخواهند کرد.

یا در روایت دیگری شخصی در محضر امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام اظهار محبت می‌نماید و عرضه می‌دارد که شیعیان شما زیاد هستند آن حضرت در پاسخ می‌فرماید:

... آگاه باش هر گاه آن عدّه وصف شده که سیصد و ده نفر و اندی هستند تعدادشان کامل شود، آنگاه چنان که شما می‌خواهید خواهد شد... (نعمانی، ۱۳۹۷ق: ۲۰۳، ح ۴)

مرحله پایانی تقابل حق و باطل در مرحله پایانی تاریخ رخ خواهد داد و براساس منابع دینی در زمان قیام امام عصر عَلَيْهِ السَّلَام خواهد بود. قیام امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام قیامی بی سابقه و همه جانبه علیه دولت کفر است که هم به لحاظ وسعت جغرافیایی و هم به لحاظ ایدئولوژیکی، جنگی بی‌نظیر در کل تاریخ است.

قرآن کریم خبر از غلبه اسلام بر تمام ادیان داده^۱ و این امر تاکنون محقق نشده است زیرا با ظهور اسلام در جزیره العرب و رحلت پیامبر گرامی اسلام دو قدرت بزرگ ایران و روم وجود داشت و اسلام بر آنها غالب نشد بلکه پیامبر همواره نگران آن دو بود به همین دلیل حتی در اواخر عمر شریف خویش دستور به اعزام نیرو به مرزهای روم را صادر فرمود، همچنین در دوره فتوحات اسلامی و جنگ‌های صلیبی، این غلبه به نحو کامل محقق نشد و به فرض تحقق در بخش وسیعی از عالم، استمرار پیدا نکرد در نتیجه غلبه کامل بر تمام ادیان که مورد نظر آیه است، هنوز محقق نشده است بلکه مسلمین وظیفه دارند با جهاد در راه خدا و در سایه تلاش علمی و عملی به این آرمان الهی جامه عمل بپوشانند و زمینه را برای برای ظهور مهدی موعود عَلَيْهِ السَّلَام فراهم آورند این مهم، باتوجه به روایات ظهور حضرت مهدی، در زمان ایشان تحقق پیدا خواهد کرد.

مرحوم علامه طباطبایی در ذیل آیه می‌فرماید:

این دو آیه (۳۲ و ۳۳ توبه) مؤمنین را بر جنگ با اهل کتاب تحریک کرده، و اشاره‌ای که به وجوب و ضرورت این جهاد نموده بر کسی پوشیده نیست، زیرا این دو آیه دلالت

۱. «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَ دِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ...» «او کسی است که فرستاده‌اش را با هدایت و دین حق فرستاد، تا آن را بر همه دین [ها] پیروز گرداند و گر چه مشرکان ناخشنود باشند». (توبه: ۳۳؛ فتح: ۲۸؛ صف: ۹). در سوره بقره: ۱۹۳ و انفال: ۳۹ نیز شبیه این تعبیر تکرار شده است.

دارند بر اینکه خدای تعالی خواسته است دین اسلام در عالم انتشار یابد، و معلوم است که چنین امری نیازمند سعی و مجاهده است، و چون اهل کتاب سد راه پیشرفت اسلام شده و می‌خواستند با دهن‌های خود این نور را خاموش کنند، هیچ چاره‌ای جز جنگ با آنان نبود، طبق خواسته خدا، مخالفین یا باید از بین بروند، و یا زیر دست حکومت مسلمین باشند و جزیه دهند. و نیز از آن جایی که خدای تعالی خواسته است این دین بر سایر ادیان غالب آید لذا مسلمانان باید بدانند که هر فتنه‌ای بپا شود- به مشیت خدا- به نفع ایشان و به ضرر دشمنان ایشان تمام خواهد شد و با این حال دیگر سزاوار نیست که سستی و نگرانی به خود راه داده و در امر جنگ و دفاع کوتاه بیایند، زیرا باید بدانند که اگر ایمان داشته باشند خدا خواسته دست بالا قرار گیرند. (طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ۹، ۲۴۷)

روایات ذیل آیه، آن را بر دوره ظهور امام زمان تطبیق کرده اند و روایات در این زمینه مستفیض است به عنوان مثال در روایتی که کلینی در ذیل همین آیه از امام کاظم علیه السلام نقل کرده است:

فرمود: (منظور از آیه) یعنی دین اسلام را در زمان قیام قائم بر همه دین‌ها غلبه دهد، خدا می‌فرماید: «و خدا تمام‌کننده نور خود است» یعنی ولایت قائم... (کلینی، ۱۳۶۵: ج ۱، ۴۳۲)

روایات در زمینه جنگ جهانی حضرت و پیروزی او بسیار زیاد است. (ر.ک: میر باقری، ۱۳۹۵: ج ۵، ۹۷-۲۰۰) باید توجه داشت غایت و غرض از قیام، صرف شکستن دولت باطل و کنار گذاشتن آن نیست بلکه جایگزینی دولت حق به جای آن است تا در پرتو آن اهداف و آرمان‌های الهی، مصالح دنیوی و اخروی مردم دنبال شود چنین مطلوبی جز با تشکیل حکومت دینی ممکن نیست با توجه به بداهت چنین امری ما در این طرح حکومت را به صورت مستقل مطرح نکردیم بلکه حکومت استمرار و غایت قیام است.

از همین جا برخی سؤالات تحقیق، پاسخ خود را می‌یابد و آن این که ائمه علیهم السلام رفتارهای شان متفاوت و متناقض نبوده بلکه شرایط مختلف سبب این رفتارها گردید به عنوان مثال عبادت و دعای امام سجاد به دلیل جو خفقان بعد از شهادت امام حسین علیه السلام و فشار دستگاه حاکمه بر شیعیان و نبود یاران کافی سبب گردید تا امام سجاد علیه السلام روش تقیه را انتخاب نمایند به گونه‌ای که آن حضرت حتی به صورت علنی اجازه سخنرانی و پرورش شاگردان را نداشته به همین دلیل آن حضرت معارف دینی را در قالب دعا به جویندگان تشنه معارف ناب عرضه

می‌دارد اما امام باقر و امام صادق علیهما السلام در اثر نزاع بین بنی‌امیه و بنی‌العباس از فرصت پیش آمده و غفلت دستگاه حاکمه استفاده و به مجلس درس و پرورش شاگردان (نیروسازی) پرداختند بقیه ائمه نیز بعد از امام کاظم علیه السلام به دلیل جو فشار بر ائمه، بیشتر آنها در حصر، زندان و زیر نظر بوده‌اند و هر کدام به حسب توان خود حرکت‌هایی را انجام دادند و در نهایت فشارها کار به جایی می‌رسد که حتی جان امام دوازدهم به خطر می‌افتد و شدت تقیه به گونه‌ای است که امام حتی در ظاهر از دیدگان غائب می‌گردد.

بنابراین از آن چه گذشت به دست می‌آید مسائلی چون جهاد و دفاع، توسعه قدرت، فراگیری اسلام، تشکیل حکومت، ظهور و خروج امام زمان عجل الله تعالی فرجه با عنوان قیام به هم پیوند می‌خورند.

نتیجه‌گیری

از آنچه گفته شد دست می‌آید که حرکت انبیاء و ائمه مبتنی بر یک طرحی است، زمینه آن مسئله قدرت و دولت حق و موضوع مشترک آن انسان است. قدرت و دولت مسائلی مثل منشاء، حفظ، اعمال قدرت و تعامل با سایر قدرت‌ها را به همراه دارد.

از منظر منابع دینی منشا اصلی قدرت و دولت، جمع افراد است و جمع افراد با دعوت شروع با حفظ جمع و توسعه آن ادامه پیدا می‌کند در تعابیر روایی ما این امور در دوره انتظار صورت می‌پذیرد، انتظار فرایندی است تا جبهه حق بتواند در پرتو آن قدرتی به دست آورد تا در نهایت بتواند نیروهای شیطانی و معارض را از سر راه بردارد اما وقتی نیروها و امکانات در حدی نیست که در مقابل نیروهای رقیب ایستاد، به طور طبیعی، سیاست پنهان‌کاری (تقیه) مورد توجه جمع دینی قرار می‌گیرد مهم‌ترین کارکرد تقیه حفظ نیروها، حفظ اسرار و نفوذ در دشمن است.

بعد از شکل‌گیری قدرت و استواری پایه‌های آن، جبهه حق در ادامه مسیر با چالش‌ها و موانعی روبرو می‌شود یکی از موانع مهم، وجود قدرت‌های معارض است. قیام در راستای براندازی جبهه باطل، بدست گرفتن قدرت و بسط حاکمیت الهی می‌باشد و به طور طبیعی بعد از قیام، تشکیلاتی که از قبل شکل گرفته به شکل حکومتی منسجم ظهور و بروز می‌کند. از همین جا پیوند بین انتظار، تقیه و قیام به دست می‌آید و نخ پیوند این سه عنوان کلی، حرکت برای کنار زدن طاغوت و برقراری حاکمیت الهی است.

خلاصه آن‌که آنچه در این تحقیق درباره طرح کلی حرکت انبیاء و ائمه به آن رسیده‌ایم عبارت است از: انتظار تقیه و قیام.

لازم است در پایان متذکر شوم غرض از به دست آوردن طرح کلی حرکت این است که توجه داشته باشیم اگر احیاناً زعماً و رهبران دینی بخواهند حرکتی را آغاز نمایند، نیازمند طرح و الگو هستند. به دست آوردن طرح کلی حرکت انبیاء، می‌تواند مبنای عمل و حرکت رهبران دینی قرار بگیرد همچنان که در جریان انقلاب اسلامی ایران و حرکت امام خمینی عناصر انتظار تقیه و قیام به وضوح دیده می‌شود هم‌چنان که نقل است وقتی ماموران شاه در زندان از امام خمینی می‌پرسند پس نیروهای شما کجا هستند امام در پاسخ می‌گوید: «طرفداران من الآن توی گهواره‌ها هستند». (رجایی، ۱۳۷۸: ۴، ۱۰۳)

منابع

قرآن کریم

نهج البلاغه

۱. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۶۲ ش الف)، *الخصال*، مصحح: علی اکبر غفاری، قم، جامعه مدرسین، اول.
۲. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۶۲ ش ب)، *صفات الشیعة*، تهران، أعلمی، اول.
۳. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۷۸ ق)، *عیون أخبار الرضا*، مصحح: مهدی لاجوردی، تهران نشر جهان، اول.
۴. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۸۵ ق)، *علل الشرائع*، قم، کتابفروشی داوری، اول.
۵. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۹۵ ق)، *کمال الدین و تمام النعمة*، مصحح: علی اکبر غفاری، تهران، اسلامیه، دوم.
۶. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۰۲ ق)، *مصادقة الإخوان*، بی‌جا، مکتبه الإمام صاحب الزمان العامة - الکاظمیه، اول.
۷. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۱۳ ق)، *من لایحضره الفقیه*، بی‌جا، مؤسسه انتشارات اسلامی.
۸. ابن حیون، نعمان بن محمد (۱۳۸۵ ش)، *دعائم الاسلام*، قم، مؤسسه آل‌البتین، دوم.
۹. ابن سعد، محمد بن سعد (۱۴۱۰ ق)، *الطبقات الکبری*، تحقیق: محمد عبدالقادر عطا، بیروت، دارالکتب العلمیه، اول.
۱۰. ابن فارس، أحمد بن فارس (۱۴۰۴ ق)، *معجم المقاییس اللغة*، محقق / مصحح: عبدالسلام محمد هارون، قم، مکتب الاعلام الاسلامی، اول.
۱۱. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ ق)، *لسان العرب*، محقق / مصحح: جمال‌الدین میردامادی، بیروت، دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع / دار صادر.



۱۲. اخوان کاظمی، بهرام (۱۳۸۳)، «دولت و پدیده قدرت از منظر واقع گرایی سیاسی»، فصل نامه علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، دوره ۲۱، شماره ۲ (پیاپی ۴۱).
۱۳. امین، سید محسن (۱۴۰۶ق)، *أعيان الشيعة*، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات.
۱۴. انوری، حسن (۱۳۸۱ش)، *فرهنگ بزرگ سخن*، تهران، انتشارات سخن.
۱۵. بحرانی، مرتضی (۱۳۸۶)، «فرد مدنی و فردگرایی فلسفی در فلسفه سیاسی مسلمانان»، فصل نامه علوم سیاسی، شماره ۳۸.
۱۶. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با مسئولان وزارت خارجه و سفرای ایران در خارج از کشور (۲۲/۰۵/۱۳۹۳) <https://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=4952>.
۱۷. ثقفی، ابراهیم بن محمد بن سعید بن هلال (۱۴۱۰ق)، *الغارات*، مصحح: عبدالزهراء حسینی، قم، دارالکتاب الاسلامی، اول.
۱۸. جمعی از علما (۱۳۶۳ش)، *الأصول الستة عشر*، قم، دارالشبستری للمطبوعات، اول.
۱۹. جمعی از نویسندگان (۱۴۱۵ق)، *شرح المصطلحات الكلامية*، مشهد، آستان قدس رضوی، اول.
۲۰. حرانی، ابن شعبه (۱۴۰۴ق)، *تحف العقول عن آل الرسول ﷺ*، قم، جامعه مدرسین، دوم.
۲۱. حلی، حسن بن یوسف (۱۳۶۵ش)، *الباب الحادی عشر*، تهران، مؤسسه مطالعات اسلامی، اول.
۲۲. خزاز رازی، علی بن محمد (۱۴۰۱ق)، *کفایة الأثر فی النض علی الأئمة الإثنی عشر*، مصحح: عبداللطیف حسینی کوه کمری، بی جا، بیدار.
۲۳. خصیبی، حسین بن حمدان (۱۴۱۹ق)، *الهدایة الكبرى*، بیروت، البلاغ.
۲۴. راغب اصفهانی، ابوالقاسم حسین بن محمد (۱۴۱۲ق)، *المفردات فی غریب القرآن*، دمشق / بیروت، دارالعلم / الدار الشامیة، اول.
۲۵. رجایی، غلامعلی (۱۳۷۸ش)، *برداشت هایی از سیره امام خمینی*، تهران، مؤسسه چاپ و نشر عروج، دوم.
۲۶. روسو، ژان ژاک (۱۳۶۸)، *قرارداد اجتماعی*، ترجمه: غلامحسین زیرک زاده، بی جا، انتشارات ادیب، اول.
۲۷. زمخشری، محمود بن عمر (۱۹۷۹م)، *أساس البلاغة*، بیروت، دارصادر، اول.
۲۸. سبحانی، جعفر (۱۴۲۸ق)، *محاضرات فی الإلهیات*، تلخیص: علی ربانی گلپایگانی، قم، بی نا، یازدهم.

۲۹. شبان نیا، قاسم (۱۳۹۶)، *فلسفه سیاست*، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام، اول.
۳۰. صفار، محمدبن حسن (۱۴۰۴ق)، *بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد علیهم السلام*، تحقیق: محسن بن عباسعلی کوجه باغی، قم، مکتبه آیه الله المرعشی النجفی، دوم.
۳۱. طباطبائی، سید محمدحسین (۱۴۱۷ق)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم، دفترانتشارات اسلامی.
۳۲. طبری، محمدبن جریر (۱۳۸۷)، *تاریخ الأمم والملوک*، بیروت، دارالتراث، دوم.
۳۳. طوسی، محمدبن حسن (۱۴۱۴ق)، *الأمالی*، قم، انتشارات دارالثقافة.
۳۴. عبدوس، محمدتقی؛ محمدی اشتهاری، محمد (۱۳۸۳)، *آموزه های اخلاقی رفتاری امامان شیعه*، قم، بوستان کتاب.
۳۵. عسکری، حسن بن عبدالله (۱۴۰۰ق)، *الفروق فی اللغة*، بیروت، دارالآفاق الجديدة، اول.
۳۶. عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۸۵)، *مبانی اندیشه سیاسی اسلام*، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چهارم.
۳۷. عیاشی، محمدبن مسعود (۱۳۸۰)، *تفسیر العیاشی*، تهران، چاپخانه علمیه.
۳۸. کلینی، محمدبن یعقوب (۱۳۶۵)، *الکافی*، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۳۹. کشی، محمدبن عمر (۱۴۰۹ق)، *إختیار معرفة الرجال*، محقق / مصحح: طوسی، محمدبن حسن / حسن مصطفوی، مشهد، مؤسسه نشر دانشگاه مشهد، اول.
۴۰. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۴ق)، *بحار الأنوار*، بیروت، مؤسسة الوفاء.
۴۱. مسعودی، علی بن الحسین (۱۴۰۹ق)، *مروج الذهب و معادن الجواهر*، تحقیق: اسعد داغر، قم، دارالهجرة، دوم.
۴۲. مصطفوی، حسن (۱۳۶۰ش)، *التحقیق فی کلمات القرآن*، تهران، طبع بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۴۳. معین، محمد (۱۳۷۶ش)، *فرهنگ معین*، تهران، مؤسسه انتشارات امیرکبیر.
۴۴. میرباقری، سید محمدحسین (۱۳۹۵ش)، *موسوعة الإمام المنتظر*، قم، مؤسسه آینده روشن، اول.
۴۵. نعمانی، ابن ابی زینب (۱۳۹۷ق)، *الغیبة*، محقق / مصحح: علی اکبر غفاری، تهران، نشر صدوق، اول.
۴۶. وبر، ماکس (۱۳۸۲)، *دین قدرت جامعه*، ترجمه: احمد تدین، تهران، انتشارات هرمس، اول.

۴۷. هنری، توماس (۱۳۷۹ش)، *بزرگان فلسفه*، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، سوم.

